

## پیشگفتار

تاریخ‌نگاری به عنوان یکی از ابعاد و مظاهر فرهنگ و تمدن حائز اهمیت بسیار است زیرا شناخت و دریافت وجوه مختلف هر فرهنگ و تمدنی، بدون بررسی تاریخ انواع هنرها و دانشهایی که در آن تمدن ظهور کرده یا تکامل یافته ممکن نخواهد بود. از این رو امروزه مطالعه تاریخ شاخه‌های مختلف علوم و فنون، و از آن جمله تاریخ‌نگاری، از رشته‌های مهم دانشگاهی به شمار می‌رود. مطالعه سیر تاریخ‌نگاری اسلامی نیز از ظهور تا دوره تکامل یعنی شناخت زمینه‌ها، انگیزه‌ها، مواد، دیدگاهها، انواع و شیوه‌های تاریخ‌نگاری، و آثار و منابع تاریخی، مورخان و علاقه‌مندان به تاریخ را قادر می‌سازد تا به درک دقیق‌تری از تاریخ اسلام دست یابند و با اعتماد و اطمینان بیشتر به نقد و سنجش اخبار و منابع تاریخی پردازند.

در تمدن اسلامی، تاریخ‌نگاری دامنه‌ای گسترده دارد و از نظر زمانی دوره‌ای، به درازای تاریخ اسلام، از آغاز تا عصر حاضر را دربرمی‌گیرد و چنان‌که در همین کتاب نشان داده خواهد شد، تاریخ‌نگاری از نادر رشته‌هایی است که در عصر انحطاط نیز دچار رکود و سستی نشد و برخلاف اغلب دانشها همچنان استوار و نیرومند گام برمی‌داشت و دسته‌ای از مهم‌ترین تواریخ عمومی، دودمانی، محلی، طبقات و انواع دیگر آن در همین عصر نوشته شد. از نظر مضمون نیز تاریخ‌نگاری اسلامی غیر از تاریخ سیاسی، حوزه وسیعی مشتمل بر تاریخ علوم و اخبار و احوال دانشمندان رشته‌های مختلف از محدثان و فقیهان و ادیبان تا پزشکان و فیلسوفان را دربرمی‌گیرد. در واقع باید گفت مورخان مسلمان تاریخ را چنان فراخ دامن گرفته‌اند که توانسته‌اند بیشتر جنبه‌های فرهنگی را در حوزه آن مورد مطالعه قرار دهند و آثار

بسیاری درباره تاریخ دانشها و اخبار دانشمندان گوناگون پدید آورند و ما را قادر سازند که امروز درباره مظاهر و جنبه‌های مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی، خاصه تاریخ‌نگاری، به معنای عام سخن گوئیم.

پژوهش در تاریخ‌نگاری اسلامی - با آنکه تاکنون آثار بسیاری در این زمینه پرداخته‌اند - بدان سبب که هنوز نکته‌های ناگفته درباره آن بسیار است، باید آن را، در حوزه تحقیقات مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی، رشته‌ای جوان به‌شمار آورد؛ خاصه آنکه در زبان فارسی هنوز هیچ تحقیق جدی و دقیق در این باره انجام نگرفته و استادان و مدرّسان و به‌ویژه دانشجویان «تاریخ‌نگاری در اسلام» که از عناوین دروس دانشگاهی به‌شمار می‌رود، با دشواریهای بسیار روبه‌رو بوده‌اند. بدین سبب تحقیق و نگارش کتابی برای این درس، در دستور کار «گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی» سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) قرار گرفت. آنچه پیش روی دارید حاصل بیش از یک سال تحقیق و تتبع مؤلفان در این زمینه است. سخن از مشکلات کار بسیار و تنها کافی است گفته شود که برای پژوهش حاضر مهم‌ترین و معتبرترین منابع اصیل تاریخ اسلام و نیز تحقیقات جدید محققان مسلمان و خاورشناسان بررسی و از آنها استفاده شده است. با آنکه برای تدوین این اثر، مطالب بسیار گرد آورده شد و نکات قابل توجه فراوانی فراهم گشت، اما بر آن بودیم تا آنچه عرضه می‌شود مطابق با سرفصلهای مصوّب این درس و زبانی درخور مقصود باشد، یعنی کتابی درسی که دانشجویان را به کار آید و تا حدی از دشواری کار مدرّسان بکاهد. بدین سبب از کاستیهای آن نیک آگاهیم و آن را زمینه‌ای برای تحقیقات گسترده‌تر آینده می‌دانیم.

والحمد لله اولاً و آخراً

نویسندگان

## مقدمه

تاریخ‌نگاری و تحولات آن در عصر اسلامی چندی است مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش در این باب نه تنها برای شناخت روشها و آرای تاریخی مورخان این دوره ضروری می‌نماید، بلکه به سبب دگرگونیهایی که امروزه در پژوهش و بینش تاریخی رخ داده، راهی برای بررسی نقادانه منابع تاریخی و مورخان اسلامی به‌شمار می‌رود. از همین رو می‌توان ادعا کرد تجدیدنظر و حتی بازنویسی بسیاری از موضوعات تاریخی که تاکنون مورد قبول بوده یا پژوهشی عمیق و دقیق درباره آن صورت نگرفته، ضروری است.

تحقیق درباره تاریخ‌نگاری عصر اسلامی، خاصه در قرون نخستین آن هنوز مسئله پیچیده‌ای است. گرچه انبوه آثاری که مورخان دوره اسلامی پدید آورده‌اند - و جز آنچه اکنون در دست است، نام و نشان بسیاری از آنها را می‌توان در فهرستهای کهن یا مطاوی آثار مورخان و نویسندگان متأخرتر یافت - حاکی از توجه کم‌نظیر مسلمانان به تاریخ‌نگاری است، از آنجا که این بنای عظیم را بر بنیادهای گوناگونی برآوردند که هنوز همه آن به‌درستی شناخته نشده و آنچه از آن می‌دانیم گاه ناقص و پراکنده است. ارائه طرّحی جامع از تاریخ‌نگاری، دیدگاهها و روشهای مورخان نخستین و تشخیص و تحدید مکاتب تاریخ‌نگاری خالی از دشواریهایی نیست. با این همه بدون چنین پژوهشی بی‌گمان نمی‌توان منابع را به‌درستی ارزیابی کرد، روایاتش را به محک نقد زد، داستان را از تاریخ بازشناخت، انگیزه‌های تدوین تاریخی را دریافت و وجهه نظرهای مورخان را درک کرد، نیز نمی‌توان تأثیر عواملی چون دین و فرقه‌گرایی مذهبی و گرایشهای قبیله‌ای و قومی و سیاست و تحولات اجتماعی را

که خود عین تاریخ‌اند در تاریخ‌نگاری نشان داد و از تکامل آن و معیارهایی که مورخان برای ضبط و نقل تاریخ وضع کرده‌اند سخن راند و بالاخره حدود و حوزه «تاریخ» را که مسلمانان به‌درستی از وقایع‌نویسی به مخزن تجارب سیاسی و فرهنگی‌اش بدل کردند تعیین کرد.

در واقع قصد ما تحقیق در تعاریف، انگیزه‌ها، فواید، اهداف، منشأ تاریخ‌نگاری، روشها، مکاتب، شیوه‌های تدوین و تنظیم تاریخ و انواع تاریخ‌نگاری اسلامی است؛ یعنی تبیین و عرضه حدود و کیفیت کوششهای مسلمانان در تدوین تاریخی، منطبق با اوضاع و احوال جامعه اسلامی که نظر به قدرت و وسعت قلمروش نگرشی جهانی به «تاریخ» داشته است.